

بررسی سال‌شمار رسمی شدن تشیع در عصر حکومت ایلخانان

* جواد عباسی

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

رونق و گسترش تشیع از مهم‌ترین تحولات تاریخی ایران در دوره حکومت مغولان در ایران و نیز مرحله‌ای تعیین کننده در سیر تاریخ تشیع به‌شمار می‌آید. آن چنان‌که می‌توان آن را سرآغازی تازه و یا نقطه عطفی با اهمیت در روندی دانست که سرانجام به رسمیت ماندگار تشیع در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران در دوره صفوی و پس از آن انجامید. در میان تمامی تکاپوهای شیعی در این دوره شیعه شدن سلطان محمد اولجایتو هشتمین ایلخان مغول و تصمیم او برای رسمی کردن این مذهب بیش از همه توجه مورخان و محققان را به خود جلب کرده است. به همین جهت پرداختن به ابعاد این رویداد می‌تواند به روشن‌تر شدن کلیت تاریخ تشیع در این زمان کمک کند. یکی از مسائلی مبهم و مورد اختلاف مورخان و پژوهشگران در این زمینه تعیین مدت شیعه بودن اولجایتو و رسمیت داشتن این مذهب در زمان فرمانروایی اوست. یک راه برای رفع یا کاستن از این ابهامات و اختلافات و دستیابی به یک محدوده زمانی مشخص در این مورد، دسته‌بندی روایات تاریخی و تحلیل‌های گوناگون و ارزیابی هریک از آن‌ها و سپس ارائه یک جمع‌بندی از آن‌هاست. مقاله حاضر براساس این دیدگاه نوشته شده است.

کلیدواژه‌ها: تشیع، ایلخانان، سلطان محمد اولجایتو، تاج‌الدین آوجی، دین رسمی، منابع ایرانی، منابع مملوک، ضرب سکه، خواندن خطبه.

A Chronological Survey on Formality of Shiite in Ilkhanid Period

Javad Abbasi, Ph.D.

Assistant Professor, Department of History
College of Letters and Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The prosperity and spreading of shiite is one of the most important religious changes during the mongol reign in Iran. So that it can be considered as a turning point in the process which was ended to permanent formality of this religion in the Safavid era and onwards. One of the main events in this connection was the inclination of Sultan Mohammad Uljiето, 8th Ilkhan, to Shiite and his attempts to spread it throughout his realm. But there is no agreement about the duration of this religious change in historical accounts especially on its ending. This article intends to categorize, analyse and evaluate these accounts in order to access a more clear chronological framework.

Keywords: Shiite, formal religion, Ilkhans, Uljiето, Avaji, Iranian sources, Mamluk sources, To coin, Khotbeh.

مقدمه

جامعه ایران و عرصه سیاسی آن در دوران حکومت ایلخانان مغول تحولات مذهبی متعددی را تجربه کرد. مهمی را از سرگذراند. سکونت و حاکمیت مغولان پیرو ادیان شمنی و بودایی، تکاپوهای مسیحیان برای مسیحی کردن مغولان و به حاشیه راندن اسلام و مسلمانان، تحولات مقطعی یهودیان، ظهور جریان های التقاطی و بالاخره گروش مغولان به اسلام و تبدیل حکومت ایلخانی به حکومتی مسلمان از جمله این تحولات است. با این حال پس از مسلمان شدن مغولان نیز فرآیندهای دینی در چارچوب مذاهب اسلامی و فعالیت های هواداران آنها ادامه یافت. در این بین شیعیان نیز که در پی برافتادن حکومت های سنی و در رأس آنها خلافت عباسی، با تلاش های کسانی همچون خواجه نصیرالدین توسی بتدریج دارای موقعیت مناسبی شده بودند، بیش از پیش بر تکاپوهای سیاسی، تبلیغی و علمی - فقهی خویش افزودند. در چنین شرایطی بود که غازان خان تا آستانه شیعه شدن و رسمیت بخشیدن به این مذهب پیش رفت (کاشانی ۱۳۴۸: ۹۰-۹۵) و برادر و جانشین او سلطان محمد اولجایتو به آن جامعه عمل پوشانید. در مورد علل، زمینه ها و چگونگی این رویداد گزارش ها و تحلیل های متعددی در منابع و نیز تحقیقات تاریخی ارائه شده است، اما در مورد مدت شیعه بودن اولجایتو و رسمی بودن تشیع در این زمان و بویژه مقطع پایانی آن اخبار موجود و برداشت های مبتنی بر آنها متفاوت می باشد. این مقاله بر آن است تا با دسته بندی روایات و قراین تاریخی و ارزیابی آنها به یک جمع بندی در این مورد دست یابد.

دسته بندی و تحلیل روایات تاریخی

زمان آغاز شیعه گری اولجایتو و تلاش او و تعدادی از دولتمردان شیعه برای رسمیت بخشیدن به تشیع در منابعی که نویسندگان آنها به سال شمار رویدادها توجه داشته اند^۱، سال ۷۰۹ هجری قمری ذکر شده است (کاشانی ۱۳۴۸: ۱۰۰؛ حافظ ابرو ۱۳۵۰: ۱۰۳، پاورقی به نقل از مجمع التواریخ؛ فصیحی خوافی ۱۳۳۹: ۱۷/۳؛ تتوی ۱۳۸۲: ۴۳۶۱/۷). از این میان کاشانی که نخستین و مفصل ترین گزارش را درباره موضوع ارائه کرده، به دوزمان متفاوت با فاصله نه ماه

۱ - در رساله «فوائد اولجایتو» که ظاهراً تقریرات سلطان محمد اولجایتو است و بخش مهمی از آن به علل شیعه شدن او اختصاص دارد، هیچ سال یا محدوده زمانی دیگری وجود ندارد (رحیم‌لو ۱۳۵۲: ۱۵۱ - ۱۳۵). در گزارش های و صاف، شبانکاره‌ای، ابن بطوطه، میرخواند، خواندمیر و نیز منابع مملوک هم سال شمار این موضوع مسکوت مانده است.

در این سال برای آغاز ماجرا اشاره کرده است. او در ابتدای روایت خویش از صدور فرمان اولجایتو برای تغییر سکه و خطبه بر اساس شعائر شیعی در ذی القعدة سال ۷۰۹ خرمی دهد اما چند صفحه بعد و پس از ذکر پیشینه موضوع می نویسد که در شعبان همین سال سکه شیعی ضرب شد (کاشانی ۱۳۴۸: ۹۰ - ۱۰۰). در توجیه این اختلاف نه ماهه می توان گفت که تاریخ نخست مربوط به شیعه شدن اولجایتو و دستور او برای تغییر خطبه و سکه است و تاریخ دوم که در آن فقط به ضرب سکه اشاره شده ناظر بر عملی شدن این کار است. محققان نیز عموماً این سال را بدون تأکید بر ماهی خاص پذیرفته اند (بیانی ۱۳۷۱: ۲/۴۸۵؛ اقبال آشتیانی ۱۳۶۵: ۳۱۵؛ مرتضوی ۱۳۷۰: ۲۳۰؛ بویل ۱۳۶۶: ۳۷۷؛ اشمیتکه ۱۳۷۸: ۳۵ - ۳۸)^۲ در این مورد که اولجایتو چه مدت بر مذهب شیعه بوده و یا بر رسمی کردن این مذهب اصرار داشته است، سکوت برخی منابع و اخبار و اشارات متفاوت برخی دیگر موجب شده تا ما با تاریخ های متفاوتی در یک فاصله زمانی حدوداً شش ساله مواجه باشیم. زیرا چنانکه خواهیم دید آنها زمان هایی میان سال های ۷۱۱ تا ۷۱۶ را برای پایان ماجرا ذکر کرده اند. کاشانی یعنی منبع اصلی گزارش رویدادهای عصر فرمانروایی اولجایتو هیچ گونه اشاره ای به بازگشت سلطان از مذهب شیعه و یا انصراف او از رسمیت دادن به این مذهب تا پایان عمر وی در سال ۷۱۶ نکرده است. همان طور که در مورد تداوم سیاست شیعه گری پس از سال ۷۰۹ نیز چیزی نمی گوید. او حتی در گزارش کشته شدن تاج الدین آوجی که بنابه اظهار خودش جزو مشوقان سلطان در این زمینه بود (کاشانی ۱۳۴۸: ۹۹) و برای گسترش تشیع متعصبانه می کوشید (حافظ ابرو ۱۳۵۰: ۱۰۱؛ شوشتری ۱۳۷۵: ۵۱۸؛ مستوفی قزوینی ۱۳۸۱: ۶۰۸)، اشاره ای به تأثیر این حادثه بر سیاست شیعی زمانه نمی کند و شخصیت و جایگاه شیعی این فرد را فراموش کرده، قتل وی را صرفاً در چارچوب منازعات سیاسی و سوء رفتارهای دیوانی اومی داند (کاشانی ۱۳۴۸: ۱۳۲ - ۱۲۷). از این جهات و با توجه به آنچه در ادامه خواهیم گفت، سکوت او را باید معنادار دانست. در مقابل شبانکاره ای در گزارشی که گرایشات ضد شیعی وی در آن پیداست، با این تعبیر که شیعه بودن سلطان و خواندن خطبه و ضرب سکه شیعی «دوسه روزی» بیش نبوده (شبانکاره ای ۱۳۶۲: ۲۷۲)، در توضیح سرانجام آن می نویسد: «چون مذهبی محدث بود، اهالی بلاد از آن تمرد نمودند و قبول نکردند و در هر شهری غلوی

۲ - در ترجمه فارسی کتاب تاریخ مغول در ایران آمده که اولجایتو در حدود سال ۷۰۰ هجری قمری شیعه شد (اشپولر ۱۳۷۴: ۲۴۶) با توجه به این که اشپولر در جایی دیگر سال ۱۳۱۰ میلادی را برای این رویداد ذکر کرده است (Spuler: 1120) و این سال معادل سال ۷۰۹ هجری است. بنابراین ذکر سال ۷۰۰ در ترجمه کتاب او را باید ناشی از اشتباه در ترجمه یا چاپ آن دانست.

کردند. بیم آن بود که فتنه بزرگ برخیزد. این معنی باز نمودند و خواجه رشیدالدین تقریر داد که اگر پادشاه شیعه مذهب باشد و رعایای او بر مذهب اهل سنت و جماعت، این کار راست نیاید. پادشاه باز دانست که اگر این مذهب شایع می توانست کرد، در دور خلفاشایع شدی. از آن مذهب بازگشت» (همان). او در ادامه تأکید می کند که بازگشت سلطان به مذهب اهل سنت یا به قول او مذهب راست، پس از محاکمه و قتل تاج الدین ابهری تحقق یافت (همان جا). با توجه به اینکه قتل تاج الدین ابهری مورد اشاره شبانکاره ای یا همان تاج الدین آوجی سایر منابع^۳، به اتفاق همه گزارش هادرسال ۷۱۱ رخ داده، پس به استناد روایت شبانکاره ماجرای تشیع اولجایتو و رسمیت آن نیز در این سال پایان یافته است. حافظ ابرونیز اگر چه برخلاف شبانکاره از عبارت «مدتی مدید» برای دوران حذف نام سه خلیفه اول از خطبه استفاده کرده (همان: ۱۰۱) اما در مرتبط دانستن قتل آوجی و پیش از او سعدالدین ساوجی و وزیر با زرونق افتادن تشیع، با وی موافقت دارد. بنابه نوشته او «چون خواجه سعدالدین رابه قتل آوردند، جمعی تقبیح این مذهب پیش سلطان عرضه داشتند و سلطان را چون این معنی به تحقیق پیوست حکم فرمود تا سید تاج الدین و پسرش رابه قتل آوردند و چند تن دیگر را در آن قضیه هلاک گردانیدند» (همان جا). میرخواندهم پس از ذکر جریان محاکمه و قتل آوجی می افزاید: «اهل سنت و جماعت فنای او را مستلزم بقای ملک و ملت دانستند» (همان: ۲۷۶) حمداله مستوفی در ذکر کشته شدن آوجی اگر چه خبر مستقیمی در مورد موقعیت مذاهب در صحنه سیاسی ارائه نمی کند، اما در معرفی وی می نویسد «پیشوای اهل شیعه بود و در فرض غلوی عظیم داشت» (همان: ۶۰۸). اوسپس در بیانی کلی به دگرگونی های گسترده ای اشاره دارد که پس از حوادث مذکور و مسلط شدن خواجه رشیدالدین بر اوضاع، به وقوع پیوست (همان: ۶۰۹). ابن بطوطه ضمن توضیح بیشتر درباره مخالفت مردم بعضی شهرها با خواندن خطبه شیعی، این مخالفت هارا موجب فرو گذاشتن تشیع از سوی اولجایتو دانسته است (همان: ۲۵۳) او هیچ تاریخی را برای این تحولات ارائه نمی کند اما با توجه به اینکه مقاومت های مردمی بعضی شهرها نباید در زمانی دور از سال ۷۰۹ بوده باشد، می توان آن را با روایات پیش گفته تاحدزیادی از نظر زمانی نزدیک به هم دانست. سرا نجام آنکه رفتار انتقام جویانه حنابله بغداد با جسد آوجی (کاشانی ۱۳۴۸: ۱۳۲)

۳ - شبانکاره ای چند سطر پیش از این مطلب نام کامل ابهری را تاج الدین ابهری ذکر کرده است (شبانکاره ای ۱۳۶۳: ۲۷۱) اما دیگر منابع به اتفاق این فرد را تاج الدین آوجی نام برده اند. بنابراین ابهری خواندن او از سوی وی را باید سهو مورخ یا استنساخ کننده کتابش به شمار آورد. مشابه این اشکال را در ذیل جامع التواریخ نیز می توان یافت که در آن برای سعدالدین ساوجی از عنوان آوجی استفاده شده است (همان: ۱۰۰).

نیز حکایت از غلیان احساسات ضد شیعی در این زمان دارد. بسیاری از پژوهشگران به استناد این گزارش‌ها و اخبار که دو موضوع یعنی کشته شدن حامی سرسخت سیاست شیعی (آوجی) و مقاومت مردم شهرهایی نظیر بغداد، اصفهان و شیراز در برابر این سیاست را در برمی‌گیرد، برآند که رویدادهای سال ۷۱۱ نقش مهمی در افول موقعیت سیاسی تشیع و شیعیان داشته است (بیانی ۱۳۷۱: ۴۸۶ - ۷؛ مرتضوی ۱۳۷۰: ۲۳۱؛ اقبال‌آشتیانی ۱۳۶۵: ۳۱۸؛ خطیبی ۱۳۸۰: ۴۵۰؛ Zaryab1971:466) از این بین تنها زریاب بر رویگردانی شخص اولجایتو از مذهب شیعه در این زمان نیز تأکید کرده است (همان جا). شواهد باستان‌شناختی شامل سکه‌ها و کتیبه‌های دارای نشانه‌های شیعی نیز عمدتاً متعلق به سال‌های ۷۰۹ تا ۷۱۲-۷۱۱ هجری می‌باشند (هنرفر ۱۳۴۴: ۱۲۰ - ۲۵۷؛ جعفریان ۱۳۸۵: ۷۳۷؛ بیانی ۱۳۷۱: پیوست‌ها، تصاویر)^۴ از مجموع آنچه که گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که سال ۷۱۱ مقطعی مهم در سیر جریان رسمی شدن تشیع در این زمان بوده است و در طی آن سیاست شیعه‌سازی سرتاسر قلمرو ایلخانی کنار گذاشته شد. اگرچه منابع در مورد گستره این تغییر سیاست (که می‌تواند از انصراف از رسمی کردن تشیع در مناطق سنی نشین تا تغییر خطبه در مناطق شیعه نشین را در برگیرد) و همچنین ارتباط این تحول سیاسی - دینی با تغییر یا عدم تغییر در مذهب شخص اولجایتو کمکی به ما نمی‌کنند.

با این حال روایت و صاف از زمان تصمیم اولجایتو برای تجدید خطبه به نام خلفای راشدین حکایت از این دارد که همه چیز درباره تشیع در سال ۷۱۱ به پایان نرسیده بود. بنابه نوشته اوسلطان در بستر بیماری که به مرگ او منجر شد (۷۱۶ هجری) فرمان داد که «در مالک بسیطه اسامی خلفاء راشدین... در خطب جمعات و مجامع تذکیر و ختمات بر ترتیب واقع ایراد کنند» (وصاف: ۶۱۶). او ادامه می‌دهد که در فرمان مربوط به این امر بر مجازات متعصبان و خودداری کنندگان از این کار نیز تأکید شده بود (همان جا). برای نزدیک کردن این روایت با آنچه از قول سایر منابع آورده شد می‌توان آن را به عنوان پایان قطعی سیاست شیعی اولجایتو و تأکید مجدد بر موضوعی در نظر گرفت که از مدت‌ها پیش (سال ۷۱۱ ق) اعلام شده بود

۴ - باید به این نکته توجه داشت که ضرب سکه یا نوشتن کتیبه با شعائر شیعی در صورتی می‌تواند نشانگر سیاست رسمی حکومت ایلخانی باشد که در مناطق تحت حاکمیت مستقیم این حکومت نظیر اصفهان، بغداد، تبریز و سلطانیه ضرب یا نوشته شده باشد. به همین دلیل یافتن این گونه آثار در مناطق دور از مرکز به ویژه چنانچه حاکمان محلی یا ساکنان آن‌ها دارای گرایش شیعی بوده‌اند، الزاماً بیانگر سیاست رسمی حکومت مرکزی نیست. علاوه بر این ممکن است تا مدتی پس از اعلام یک سیاست جدید، سکه‌ها همچنان بر مبنای سیاست قبلی ضرب شده باشد.

(مرتضوی ۱۳۷۰: ۲۳۱؛ اقبال آشتیانی ۱۳۶۵: ۳۲۴). بویژه که در این فرمان هیچ اشاره ای در مورد تغییر در ضرب سکه نیز وجود ندارد و فقط به وجود پاره ای مقاومت هادراین زمینه اشاره شده است.

از بین منابع مملوک تنها گزارش ابن حجر عسقلانی بامنابع ایرانی همخوانی دارد و شاید بتوان آن را به نوعی تکمیل کننده روایت و صاف دانست. او پس از ذکر خبر لشکرکشی نافرجام اولجایتو به شام در سال ۷۱۲ که با ترک محاصره رحبه از سوی وی پایان یافت، از بازگشت او از تشیع و ضرب سکه با شعایر مذهب سنت خرمی دهد «قدرجع عن الرقص و أظهر شعاراهل السنه». (ابن حجر عسقلانی بی تا: ۳/ ۳۷۹) سپس با آوردن دوبیت شعر این اقدام سلطان را به سخره می گیرد:

رایت لخر بند اللعین دراهما یشابهها فی خفه الوزن عقله
علیها اسم خیر المرسلین و صحبه لقد را بنی هذا لتسنن کله

(همان جا)^۵

سایر منابع مملوک در تقابل آشکار بامنابع ایرانی آورده اند که اولجایتو نه سیاست شیعی خود را رها نکرد بلکه تا پایان عمر در این زمینه تعصب می ورزید. ابن تغری بردی به نقل از نویری آورده که اولجایتو هفت روز پیش از مرگ خود در صدبرآمد سپاهی را به مدینه بفرستد تا قبور دو خلیفه نخست را نبش کنند، اما خدا او را هلاک کرد و به جهنم برد (ابن تغری بردی الاتابکی ۱۳۶۱: ۹/ ۲۳۹). ابن کثیر هم ضمن تأکید بر بقای اولجایتو بر مذهب شیعه تا پایان عمرش، می گوید حمایت اولجایتو از امیر پناهنده مکه به او برای بازگشت به این شهر در چارچوب همین گرایش مذهبی قرار دهد. او همچنین تنها کسی است که تأکیدی کند ابو سعید جانشین اولجایتو اقدام به تغییر خطبه کرد «فامر باقامه الخطبه بالترضی عن الشیخین اولائم عثمان ثم علی رضی الله عنهم» (ابن کثیر الدمشقی ۱۹۶۶: ۷۷/ ۱۴ - ۷۸) بنا به نوشته صفدی اولجایتو پس از آنکه مال و خون مخالفان رسمی شدن تشیع در محله باب الازج بغداد را مباح اعلام کرد، بیمار شد و مرد (صفدی ۱۳۹۴: ۲/ ۱۸۵). مقریزی هم ضمن اشاره به سنی کشی او، در مورد تجدیدنظروی در سیاست شیعی اش مطلبی نیاورده است (مقریزی ۱۹۴۱: ۲/ ۱۵۹). در مورد منابع مملوک توجه به این نکته لازم است که علاوه بر تأثیر بعد مسافت بردقت

۵ - مترجم سفرنامه ابن بطوطه از این دو بیت چنین نتیجه گرفته که اولجایتو علی رغم تغییر سیاست و تظاهر به بازگشت به طریقه اهل سنت، علاقه قلبی خود به تشیع را تا پایان زندگی حفظ کرده بود (ابن بطوطه ۱۳۷۶: ۵۳۲).

روایات، بویژه در زمینه سالشمار وقایع، نباید موضوع خصمانه آنان نسبت به حکومت ایلخانی و شیعیان را نادیده گرفت. این امکان نیز هست که نویسندگان این منابع شیعه مانند احتمالی شخص اولجایتو پس از انصراف از رسمی کردن این مذهب (افلاکی ۱۳۶۲: ۲/۷۵۹؛ جعفریان ۱۳۸۵: ۷۰۷ - ۹؛ ابن بطوطه ۱۳۷۶: ۱/۵۳۲، یادداشت مترجم) رابهانه ای برای اصرار بر تداوم سیاست شیعی او قرارداد داده باشند. این موارد می تواند در توجیه بخشی از تفاوت در روایات آنها با منابع ایرانی دارای اهمیت باشد.

نتیجه گیری

در مورد مدت شیعه بودن اولجایتو و رسمیت داشتن تشیع در عهد فرمانروایی او و به طور خاص زمان پایانی آن اخبار و روایات متعدد و متفاوتی در دست است. در جمع بندی آنها می توان گفت که رسمیت داشتن تشیع و تلاش برای فراگیر ساختن آن تنها در حواصل سال های ۷۱۱ تا ۷۰۹ هجری قطعی است. پس از آن در اثر تحولاتی چون قتل سعدالدین ساوجی و تاج الدین آوجی به عنوان پشتوانه های این سیاست مذهبی و مسلط شدن خواجه رشیدالدین بر امور به عنوان کسی که از ابتدا باشیعه گرایی در حکومت ایلخانی مخالف بود، این سیاست پی گیری نشد و بدین ترتیب راه برای رسمیت دوباره مذهب سنت گشوده شد. بدون آنکه سیاست خصمانه و انتقام جویانه ای نسبت به تشیع و شیعیان در پیش گرفته شود و یا شخص ایلخان الزاماً بار دیگر تغییر مذهب داده باشد. آرام بودن فرایندها بازگشت که تا اوخر عمر اولجایتو یعنی سال ۷۱۶ هجری ادامه داشت موجب گردیده تا مورخان هر کدام به دلیل توجه به بخشی از واقعیت در این باره و نیز متأثر از گرایشات مذهبی و سیاسی خویش بر مقطعی از این دوران شش ساله برای پایان یافتن رسمیت تشیع توجه نشان دهند. در عین حال از مجموع آنچه در این مقاله ارائه شد می توان نتیجه گرفت که همه چیز در مورد سیاست شیعی تا پیش از مرگ اولجایتو خاتمه یافته بود. بخشی از تفاوت مربوط به سالشمار این موضوع را نیز باید ناشی از درهم آمیختن و ملزوم هم دانستن نوع گرایش مذهبی شخص اولجایتو و سیاست مذهبی یا مذهب رسمی زمان او دانست. به عبارت دیگر دست کشیدن سلطان از اصرار بر رسمی کردن تشیع و حتی تجدید شعایر مذهب سنت و جماعت که از سال ۷۱۱ هجری عملی شد، نافی بقای او بر مذهب شیعه نیست. همان طور که شیعه مانند شخص او به معنی اصرار بر رسمیت بخشیدن

به تشیع نمی باشد. بویژه که مغولان معمولاً به عنوان مردمانی دارای تسامح دینی شناخته شده اند.

منابع

- ابن تغری بردی الاتابکی، جمال‌الدین ابی‌المحاسن یوسف، ۱۳۶۱ ق. *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*. الجزء التاسع. قاهره: مطبعه دارالکتب المصریه.
- ابن حجر عسقلانی، شیخ شهاب‌الدین. بی تا. *الدّرر الکامنه فی اعیان المائه الثامنه*. السفر الثالث. بیروت: دارالجیل.
- ابن بطوطه. ۱۳۷۶. *سفرنامه*. ترجمه محمدعلی موحد. جلد اول. تهران: آگه.
- ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء الحافظ. ۱۹۶۶. *البدایه و النهایه*. الجزء الرابع عشر. بیروت: مکتبه المعارف.
- اشپولر، برتولد. ۱۳۷۴. *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشمیتکه، رایینه. ۱۳۷۸. *اندیشه‌های کلامی علامه حلی*. ترجمه احمدنمایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- الافلاکی العارفی، شمس‌الدین احمد. ۱۳۶۲. *مناقب‌العارفین*. جلد دوم. تصحیح تحسین یازیجی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۶۵. *تاریخ مغول*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بویل، جی. آ. ۱۳۶۶. *تاریخ سیاسی و دودمانی ایلخانان*، در تاریخ ایران کمبریج. جلد پنجم. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیانی، شیرین. ۱۳۷۱. *دین و دولت در ایران عهد مغول*. جلد دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تتوی، قاضی‌احمد و قزوینی، آصف‌خان. ۱۳۸۲. *تاریخ الفی*. مصحح غلامرضا طباطبایی مجد. جلد هفتم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول. ۱۳۸۵. *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*. قم: انتشارات انصاریان.

- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله. ۱۳۵۰. *ذیل جامع‌التواریخ رشیدی*. به اهتمام خان باباییانی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- خطیبی، ابوالفضل. ۱۳۸۰. *اولجایتو*. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی. ۱۳۵۳. *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*. جلد سوم. جزء ۱. تهران: کتابفروشی خیام.
- رحیم‌لو، یوسف. ۱۳۵۲. *رساله فواید اولجایتو*. تبریز: نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. سال ۲۵، شماره ۱۰۶.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد. ۱۳۶۳. *مجمع‌الانساب*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شوشتری، قاضی سیدنورالله، ۱۳۷۵ ق، *مجالس المومنین*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک. ۱۳۹۴. *الوافی بالوفیات*. جلد دوم. چاپ سوم. دیدرینغ. ویسبادن. دارالنشر فرانتز اشتاینر.
- فصیحی‌خوافی، احمدبن جلال‌الدین محمد. ۱۳۳۹ - ۴۰. *مجموع فصیحی*. تصحیح و تحشیه محمودفرخ. جلد سوم. مشهد: کتابفروشی باستان.
- کاشانی (القاشانی)، ابوالقاسم. ۱۳۴۸. *تاریخ اولجایتو*. به اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرتضوی، منوچهر. ۱۳۷۰. *مسایل عصر ایلخانان*. تهران: انتشارات آگاه.
- مستوفی‌قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن احمد بن نصر. ۱۳۸۱. *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقربزی، تقی‌الدین احمدبن علی. ۱۹۴۱. *کتاب السلوک لمعرفة دول الملوک*. محمدمصطفی زیاده. الجزء الثاني. القسم الاول. قاهره: مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه بن محمود. ۱۳۸۰. *روضه الصنفای سیره الانبیاء و الملوک و الخلفا*. جلد پنجم. تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر. تهران: انتشارات اساطیر.
- وصاف الحضرة شیرازی، فضل‌الله بن عبدالله. ۱۳۳۸. *تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار (تاریخ وصاف)*. به اهتمام محمد مهدی اصفهانی. تهران: انتشارات کتابخانه ابن‌سینا و جعفری تبریزی.

هنرفره، لطفالله. ۱۳۴۴. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: بی نا.

Spuler, B., 1986, *Ilkhans*, E12, Brill.

Zaryab, Abbas, 1971, "Struggle of the religious sects in the Ilkhanid court" in: *La Parsia Nel Medioevo*, Rom.